

نگاهی به پارادوکس‌های دیوان خواجه کرمانی

پوران علی‌زاده*

چکیده

پارادوکس یا متناقض‌نما از ترفندهای ادبی است که در کلام شفاهی، فلسفه، منطق و حتی عرصه‌های زندگی انسان‌ها حضور دارد و آن جمع شاعرانه دو واژه است که مفهومی متضاد دارد که از نظر عقلی محال و غیرممکن به نظر می‌رسد. در ادبیات این ترفند، از آرایش‌های کلامی زیباست که عامل زیبایی آن در حیرتی است که در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. خواجه کرمانی از شاعران توانمند قرن هشتم هجری است که بسیار هنرمندانه از این پارادوکس در انتقال مفاهیم و مضامین سود برده است؛ بنابراین پژوهش حاضر به بررسی پارادوکس در دیوان خواجه اختصاص یافته است. روش انجام این تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد که خواجه کرمانی در دیوان اشعار خود به این پارادوکس‌ها به عنوان یکی از ترفندهای ادبی و شاعرانه نگریسته است و آنها را از زوایای گوناگون مورد توجه قرار داده‌است. همچنین از شگردهای متنوعی در بیان این عناصر متضاد بهره برده و موجبات برجسته‌سازی کلام خویش را فراهم نموده است.

واژه‌های کلیدی: پارادوکس، متناقض‌نما، دیوان شعر، خواجه کرمانی.

* مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودسر، دانشگاه آزاد اسلامی، رودسر، ایران.

۱- مقدمه

پارادوکس یا متناقض‌نما از مقوله‌های مهم در زیبایی‌شناسی است و از گونه‌های هنجارگریزی معنایی به شمار می‌آید. در واقع در پارادوکس با ناسازواری هنری سروکار داریم.

پارادوکس (paradoxum) یا متناقض‌نما، از ریشه یونانی paradoxon و مرکب از دو بخش para به معنی متقابل و متناقض و doxa به معنی عقیده و نظر است (Oxford, 1993). این اصطلاح «در زبان یونانی به قضایایی اطلاق می‌شود خلاف عقاید جاری، باور نکردنی، شرم‌آور، عجیب و پرت و پلا می‌نماید، در حالی که معنای حقیقی آنها در زیر ظواهر نامبرده پنهان است.» (شایگان، ۱۳۷۳: ۱۱۵)

از دیگر معادل‌های پارادوکس که از زبان فرنگی وارد زبان و ادبیات فارسی شده، واژه اکسی مرن است شفیعی کدکنی آن را «بیان نقیضی» ترجمه نموده و آن را همان پارادوکس یا تصویر پارادوکسی نام نهاده است. بیان پارادوکسی در زبان محاوره نیز کاربرد دارد و آن عبارات و جملاتی است که بیانی پارادوکسی دارند؛ مانند «غیبتش توی چشم می‌زند». گاه نیز این جملات پارادوکسی آن قدر خلاصه و موجز می‌شود که به شکل ترکیب درمی‌آید و وسعت خیال‌گوینده را نشان می‌دهد، مانند ترکیب «درد بی‌دردی»، رنگ بی‌رنگی» و خراب‌آباد (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۷-۶) که به عقیده وحیدیان کامیار شگردی سخت زیبا و رندانه است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۹۴)

فراوانی پارادوکس در شعر برخی از شاعران برجسته، از جمله خواجهی کرمانی شاعر برجسته قرن هشتم هجری، نگارنده را بر آن داشته تا به این مقوله جذاب در دیوان خواجهی پردازد؛ زیرا پارادوکس از عناصر شعری مهم در دیوان وی به شمار می‌آید. لذا هدف از انجام این پژوهش بررسی پارادوکس در دیوان اشعار خواجهی کرمانی و پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- متناقض‌نماها در دیوان خواجهی به چه اشکالی ظاهر شده‌اند؟

- خواجهی برای زیبایی‌آفرینی این ترفند ادبی از چه شگردهای ادبی بهره برده است؟

برای رسیدن بدین منظور پس از بررسی دیوان اشعار خواجهی و استخراج ابیاتی که پارادوکس داشتند، انواع، ساختار و شیوه‌های به کار رفته پارادوکس در دیوان وی تقسیم‌بندی و

نمونه‌ها یادداشت شد، سپس آرایه‌ها و شگردهای به کار رفته در این متناقض‌نماها مشخص شد و در پایان نمودار فراوانی ترسیم گردید.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی راجع به پارادوکس و متناقض‌نما در حوزه ادبیات منظوم صورت گرفته است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: گلی و با فکر در مقاله‌ای با عنوان «متناقض‌نمایی (پارادوکس) در شعر صائب» (۱۳۸۷) این مقوله را در شعر صائب مورد بررسی قرار دادند و پی بردند که متناقض‌نماهای صائب اغلب در غزل‌های عرفانی و در حوزه عشق، وحدت وجود، فنا و... بوده است.

راحی و همکاران در مقاله «بررسی کاربرد متناقض‌نمایی در اشعار کلیم کاشانی از چهار دیدگاه محتوایی، زیبایی‌شناسی، عرفانی و ارتباط دوسویه» این شگرد ادبی را در دیوان کلیم مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که از نظر محتوایی بیش از ۸۰ درصد متناقض‌نماها در اشعار کلیم تعبیری است و از منظر زیبایی‌شناسی بسامد ترکیب متناقض‌نما با شگردهای بیانی بیشتر از بدیعی است.

بهزادی اندوهجردی و شریفی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نام «پارادوکس و انواع آن در نسخه خطی "پادشاهنامه" کلیم کاشانی»، پارادوکس و انواع آن را در این نسخه بررسی نمودند و دریافتند که کلیم به کمک پارادوکس نه تنها هنر اغراق را که جزء جدایی‌ناپذیر حماسه است، بلکه بسیاری از حقایق همچون بذل و بخشش‌های بسیار، احترام و ستایش، شجاعت و قدرت و ابهت و... را آشکار ساخته است.

حسینی و صدقی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پارادوکس در شعر عرار» پس از بررسی این آرایه در شعر مصطفی عرار شاعر اردنی، به این نتیجه رسیدند که پارادوکس در دیوان وی فقط برای زیباآفرینی ساخته نشده، بلکه نشان‌دهنده مفاهیم متناقضی است که شاعر ضمن آن واقعیت‌ها را ارائه می‌نماید.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش آماری، توصیفی و به شیوه تحلیل محتواست و تلاش شده پارادوکس‌ها و متناقض‌نماها در دیوان خواجهی کرمانی بررسی و تحلیل شود.

۴- بررسی ساختار پارادوکس در دیوان خواجهی کرمانی

۴-۱- ترکیب واژگان پارادوکس

گاه پارادوکس‌ها به صورت ترکیب به کار می‌روند. به نظر شفیع کدکنی پارادوکس یا متناقض‌نما هنری بیانی است که در آن دو روی یک ترکیب از لحاظ معنا و مفهوم همدیگر را نقض می‌کنند. (شفیعی، ۱۳۷۱: ۵۴) این نوع ترکیبات به اشکال گوناگون در دیوان خواجهی کرمانی مشاهده شده است.

۴-۱-۱ اضافه نمودن نقیضین با کسره

در این نوع، متناقض‌نماها در کنار هم به کار رفته‌اند و با کسره به یکدیگر اضافه شده‌اند. حال ممکن است این اضافات ترکیبی از مضاف و مضاف‌الیه باشند یا ترکیبی از موصوف و صفت.

الف) مضاف و مضاف‌الیه: این مورد حدود ۸ / ۸ درصد ابیات دیوان خواجه را به خود اختصاص داده است که نمونه‌هایی از آن آورده می‌شود:

گر به معنی ملکِ درویشی مسخر کرده ای / از ره صورت برون‌ای و ز سلطان درگذر
(خواجهی کرمانی، ۱۳۶۹: ۷۰۴)

در این بیت «ملکِ درویشی» دو متناقض است که به صورت ترکیب مضاف و مضاف‌الیه به کار رفته است. در بیتی دیگر خواجه ۴ مورد متناقض‌نما (پیرانِ نوجوان، جوانانِ پیر طبع، دیوانگانِ عاقل و مستانِ هوشیار) را به کار برده که در ترکیبی اضافی در کنار هم قرار گرفته‌اند:

پیرانِ نوجوان و جوانانِ پیر طبع / دیوانگانِ عاقل و مستانِ هوشیار
(همان: ۱۳۲)

ب) موصوف و صفت : این نوع ترکیبات وصفی حدود ۶ / ۵ درصد ابیات دیوان را به خود اختصاص داده است. مانند «آتش تر و آب خشک» در دو بیت زیر:
آتش تر دمدم در آب خشک افکن که نیست

جز لب و چشم عدویت خشک و تر در خشک و تر

(همان: ۶۱)

ای مه آتش گذار آن آب خشک کآبگیر آتش تر کرده‌ای

(همان: ۳۲۹)

۴-۱-۲ کاربرد نقیضین به صورت عطف

در این تقسیم‌بندی دو متناقض به صورت غیر اضافی به کار رفته‌اند و به یکدیگر عطف شده‌اند. این نوع عطف حدود ۸ / ۱۶ ابیات پارادوکسی دیوان خواجه را به خود اختصاص داده است. مانند عطف بت و بتگر در بیت زیر:

از بت و بتگر تبرا کرده‌ام همچو خلیل لیکن ار نیکو بینی هم بت و هم بتگرم

(همان: ۱۱۱)

و یا عطف دو واژه نام و ننگ در این بیت:

نام در راه عاشقی ننگ است بگذر از نام و ننگ را بگذار

(همان: ۵۴)

۴-۱-۳ اضافه نمودن نقیضین با استفاده از «بی»

گاه ترکیب نقیضین با کمک حرف «بی» انجام می‌شود؛ یعنی خواجه حرف «بی» را در میان دو نقیض قرار می‌دهد که این مورد خود بر دو نوع است:

الف) واژه + بی + همان واژه: در این نوع خواجه واژه‌ای را ذکر می‌کند و بعد «بی» را

آورده و همان واژه را تکرار می‌کند. این مورد ۶ / ۵ درصد از کل ابیات دیوان خواجه را به

خود اختصاص داده است. مانند «خویشتنِ بی‌خویشتن»، «مثالِ بی‌مثالی»، «نشانِ بی‌نشانی» و «زبانِ بی‌زبانی» در ابیات زیر:

خویش را در کوی بی‌خویشی فکن تا ببینی خویشتنِ بی‌خویشتن

(همان: ۴۸۲)

منشیان قدرت بی‌چون ز جرم آفتاب بر مثال بی‌مثالی آب تمغا می‌زنند

(همان: ۵۸۲)

نشان بی‌نشانان بی‌نشانست زبان بی‌زبانان بی‌زبانست

(همان: ۳۸۹)

ب) واژه + بی + واژه دیگر: در این مورد شاعر واژه نخست را تکرار نمی‌کند، بلکه به جای آن واژه دیگری را ذکر می‌کند. مانند «گویای بی‌زبان» در بیت زیر:

گلشنی دیدم همه پر گل ولیکن بی‌ذبول بلبلان در وی همه گویا ولیکن بی‌زبان

(همان: ۵۹۸)

این مورد حدود ۶ / ۷ درصد ابیات دیوان را به خود اختصاص داده است. نمونه دیگر آن را در عبارت «گفتار بی‌سخن» در بیت زیر می‌توان مشاهده نمود:

فرهاد شورانگیز اگر در پای سنگی جان بداد

گفتار شیرین بی‌سخن در حالت آرد سنگ را

(همان: ۱۷۹)

۴-۱-۴- اضافه نمودن نقیضین با استفاده از «در» و «اندر»

گاه خواجه دو متناقض‌نما را با استفاده از حروف «در» و «اندر» به یکدیگر اضافه می‌کند. مانند «توانایی در ناتوانی»:

چنان اندر پریشانی سرافرازی کند زلفش توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود

(همان: ۲۴۴)

یا «هستی اندر نیستی» در این بیت:
 میانش را نشان هستی اندر نیستی جستم چو دیدم در کنار آن را نشان از بی‌نشانی بود
 (همان: ۲۴۴)

نکته: در این نوع ساختار به ندرت بعد از حرف «در» یا «اندر» واژه «عین» می‌آید، همچون
 «عین» در ابیات زیر:

صورتی در عین معنی جوهری فرد از عرض اختری بی‌انقلابی مشعلی بی‌اضطراب
 (همان: ۹۴)

که خواجه «صورت در عین معنی» به کار برده است. یا در بیتی دیگر «آتش اندر عین آب»
 را به کار برده است:

هنوزت آب در آتش نهان است هنوزت آتش اندر عین آبست
 (همان: ۱۹۸)

این مورد ۷/۲ درصد ابیات دیوان شاعر را به خود اختصاص داده است.

۴-۲- نسبت دادن واژگان متناقض به یک فرد یا موضوع

در این نوع دو واژه نقیض هم که در هم‌نشینی و مجاورت هم قرار گرفته‌اند به یک نفر
 نسبت داده می‌شود. به عنوان مثال نسبت دادن دیوانه و عقل مجرد به من (خواجه) در بیت زیر:
 دیوانه‌ام ز مستی و عقل مجردم بیگانه‌ام ز هستی و روح مطهرم

(همان: ۷۲)

و یا نسبت دادن دو متناقض «پیدای پنهان» و «دانای نادان» به من:
 اگر پنهان بود پیدا من آن پیدای پنهانم وگر نادان بود دانا من آن دانای نادانم

(همان: ۳۱۰)

این نوع تناقض با بسامد حدود ۶ / ۱۳ درصد در دیوان خواجه به کار رفته است.

۴-۳ تناسب پارادوکس‌ها در جملات مرکب

در این قسمت به موضوع متناقض‌نماها در سطح جملات مرکب خواهیم پرداخت. در جملات مرکب یا با جملات شرطی مواجهیم یا با حرف ربط در ابتدای جملات مرکب که هر یک به طور جداگانه بررسی می‌شود:

۴-۳-۱ پارادوکس در جملات شرطی

گاه متناقض‌نماها در جملات شرطی قرار می‌گیرند. در این صورت یکی از متناقضین شرط و دیگری جواب شرط قرار می‌گیرد.

در بیت زیر بقا و فنا دو واژه متناقض‌نما هستند که در ساختار جمله شرطی قرار گرفته‌اند، لذا بقا شرط و فنا جواب شرط است. شاعر می‌گوید: اگر بقا طلب می‌کنی، نباید از فنا بترسی. خواجه اگر بقا طلبی از فنا مترس چون بنگری فنای تو عین بقای توست

(همان: ۳۹۲)

همچنین است بنده‌گی و آزاد در بیت زیر که بنده‌گی در جمله شرط و آزاد در جواب شرط قرار گرفته است:

سروار بیاباد از در او نام بنده‌گی آزاد گردد از چمن و طرف جویبار

(همان: ۳۹)

در نمونه زیر نیز دو متناقض شرط و جواب شرط قرار گرفته‌اند: مرده در خاک لحد دیگر ز سر گیرد حیات گر به آب دیده ساغر بشویندش کفن

(همان: ۷۴۲)

وجود متناقضین در جملات شرط و جواب شرط حدود ۱ / ۶ درصد را در بر گرفته است.

۴-۳-۲ در این نوع حرف ربط در ابتدای جمله‌ها قرار می‌گیرد:

این مورد که ۲ / ۷ درصد دیوان را به خود اختصاص داده است، به شکل‌های مختلفی دیده شده است که انواع آن بررسی می‌شود:

الف) وجود حرف ربط «اگرچه» یا «گرچه» در ابتدای جمله نخست:

گاه پیش می‌آید در ابتدای جمله مرکب حرف ربط «اگرچه» یا مخفف آن «گرچه» می‌آید، مثلاً مجرد شوهردار (= مجرد متاهل) در بیت زیر:

گرچه همچون قطب گردون در تجرد ثابتم دختران نعش را در چار مذهب شوهرم

(همان: ۹۱)

که شاعر می‌گوید اگر چه در تجرد ثابت هستم، ولی شوهر دختران ستاره بنات نعش هستم.

ب) وجود حرف ربط «لیکن»، «ولی» و «اما» در ابتدای جمله دوم:

یعنی شاعر در آغاز جمله دوم حروف ربطی مانند لیکن، ولی و اما را به کار می‌برد، مانند «ولی» در قسمت دوم ابیات از نمونه زیر که متناقض‌ها سائری است که از سیر ایمن و نامی که از نام فارغ است.

رهروان آن جهت سایر ولی ایمن ز سیر ساکنان آن طرف نامی ولی فارغ ز نام

(همان: ۹۳)

ج) هر دو مورد:

یعنی اگرچه در جمله اول و ولی در جمله دوم:

اگر چه بی‌خبر افتاده‌ام ز یار و دیار (ولی) دلم مقیم دیارست و جان ملازم یار

(همان: ۴۸)

البته لازم به ذکر است که گاه این حروف ربط به اقتضای قرینه معنوی حذف می‌شود، مانند

«ولی» در بیت فوق.

۴-۴ ساختار سلبی پارادوکس‌ها

ساختار سلبی در دیوان خواجه از طریق واژه منفی «نه» دیده شده است و ۰/۸ ابیات را در

برگرفته است:

نقشی نه مصور به تصاویر طبایع جسمی نه مرکب به تصاویر عظامند

(همان: ۲۱)

۴-۵ دو متناقض نما علت و معلولند

در این نوع یکی از متناقضین معلول است و دیگری علت و بین آنها حرف اضافه از به کار می‌رود. مثلاً در بیت زیر:

از آن با درد می‌سازم که دل را هم از درد تو درمان می‌توان یافت

(همان: ۱۹۲)

در اینجا درد از درمان است و در بیت زیر علت آتش از آب روان است:
تا صبح مهره باز چه بر خواند و بر دمید کآمد پدید آتش از آب روان چرخ

(همان: ۱۹)

این نوع از ساختار نقیضین ۶/۴ درصد ابیات را در بر گرفته است.

۴-۶ عینیت در متناقضین

عینیت در متناقضین به این معناست که دو واژه در عین اینکه متناقضند، ولی یکسان و عین هم هستند. عینیت متناقضین در دیوان خواجه به دو صورت دیده شده است:

الف) واژه «عین» بین دو کلمه متناقض ذکر شده است و این مورد حدود ۴ / ۴ درصد را به خود اختصاص داده است. به عنوان مثال:

تلخ از آن منطق شیرین چو شکر نوش کنم زانکه دشنام که محبوب دهد عین دعاست

(همان: ۶۴۰)

در این بیت دشنام عین دعا است. در این نوع ساختار حتماً واژه «عین» به کار می‌رود:
خواجو اگر بقا طلبی از فنا ترس چون بنگری فنای تو عین بقای توست

(همان: ۳۹۲)

که در این بیت فنا عین بقاست.

ب) واژه عین در جمله مقدر است؛ یعنی واژه «عین» به کار نرفته است، ولی در معنای بیت مقدر است. که ۷/۶ درصد ابیات را در بر گرفته است. مثلاً «عین» در معنای بیت زیر مقدر است. در این بیت ایمان عین کفر و کفر عین ایمان است:

برو از کفر و دین بگذر، مرا از کفر و دین مشمار

که هم ایمان من کفرست و هم کفرست ایمانم

(همان: ۳۱۰)

و در بیت:

خواجهو اگر گدای درت شد سعادتت است بر آستان دوست گدایی بود شهبی

(همان: ۷۶۸)

که گدایی عین شاهی است، با این تفاوت که واژه عین ذکر نشده و در معنای جمله مقلد است.

۴-۷ مناداهای متناقض‌نما

در این مورد دو کلمه متناقض منادا قرار می‌گیرند و با حرف ندا به کار می‌روند. بسامد این مورد انگشت‌شمار است و تنها ۰/۸ درصد ابیات را به خود اختصاص داده است و بهترین نمونه آن بیت زیر در متناقض‌نماهای «صانع بی‌آلت»، «مبدع بی‌فکر»، «قاهر بی‌کینه» و «قائم بی‌جا» دیده می‌شود که با حرف ندای «ای» به کار رفته‌اند:

ای صانع بی‌آلت وای مبدع بی‌فکر وای قاهر بی‌کینه وای قائم بی‌جا

(همان: ۹)

۴-۸ قسم و متناقض‌نماها

قسم یکی از شگردهای شاعران در شعر است تا بدین وسیله شعر در مخاطب تأثیر بیشتر بگذارد. خواجهی کرمانی در ابیاتی که پارادوکس به کار برده هم، قسم می‌خورد و یکی از متناقضین را سلب می‌کند، مانند بیت زیر:

به واصلان جدا از تواصل و موصل به سالکان برون از مدائن و امصار

(همان: ۵۰)

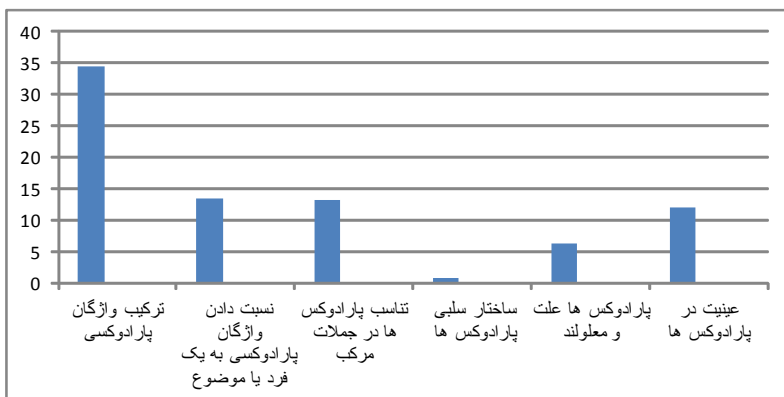
در این بیت خواجه به واصلان جدا از تواصل و موصل سوگند می‌خورد یا در بیتی دیگر به

ناظران عری از وسایل منظر و به ناطقان بری از گفتار سوگند می‌خورد:

به ناظران عری از وسایل منظر به ناطقان بری از قرائن گفتار

(همان: ۵۰)

قسم در پارادوکس‌های دیوان خواجو حدود ۲/۴ درصد ابیات را به خود اختصاص داده است.



نمودار (۱) فراوانی ساختار پارادوکس در دیوان خواجوی کرمانی



نمودار (۲) ساختار پارادوکس در دیوان خواجوی کرمانی

۵- زیبایی‌شناسی پارادوکس‌ها

یکی از نکات مهم در پارادوکس‌های دیوان خواجهی، وجود انواع آرایه‌ها و صنایع ادبی در این متناقضین است. به نظر راستگو پارادوکس «از عوامل بلاغت‌افزایی است که پایه و مایه سخن را بالا می‌برد و گیرایی و دلنشینی و ذوق‌پذیری آن را افزونی می‌بخشد.» (راستگو، ۱۳۸۰: ۲۹)

این صنایع در واقع به زیبایی‌شناسی متناقض‌نماها می‌انجامد. به نظر وحیدیان کامیار متناقض‌نمای زیبایی‌شناسی از شیوه‌های زیبایی‌آفرینی و آشنایی زدایی زبانی است که ربطی به مفاهیم متناقض ندارد، بلکه پارادوکس در الفاظی است که در یک معنی با هم متناقضند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۸۶) در واقع با وجود این که در ظاهر ترکیبات یا واژه‌ها مغایرت وجود دارد، ولی در نفس امر، وحدت دیده می‌شود که بیانگر مبانی عرفانی و اعتقادی است که با استفاده از تعابیر کنایی یا تشبیهی پدید می‌آید. (فشارکی، ۱۳۹۵: ۹۶)

در این قسمت ضمن اشاره به این آرایه‌ها نمونه‌هایی از هر صنعت آورده می‌شود و درصد کاربرد هر یک از آنها بازگو می‌شود.

۵-۱ جناس

جناس در لغت به معنی گونه‌گونه شدن است و در اصطلاح آن است که شاعر، از دو لفظ یا بیشتر که در تلفظ یا کتابت از یک جنس باشند استفاده کند. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۶)

چنین آرایه‌ای در متناقض‌نماهای دیوان خواجه دیده می‌شود. به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

خامی چو من بین سوخته، واتش ز جان افروخته

گر پخته‌ای خامی مکن، وان پخته در ده خام را

(خواجهی کرمانی، ۱۳۶۹: ۶۲۹)

بین دو کلمه خام در مصرع دوم جناس از نوع تام وجود دارد که یکی به معنای بی‌تجربه و دیگری به معنای خام و نپخته است.

نشان بی‌نشانان بی‌نشانست زبان بی‌زبانان بی‌زبانست

(همان: ۳۸۹)

بین نشان و بی‌نشانی در این بیت جناس زاید وجود دارد؛ زیرا بی به ابتدای کلمه خویشتن اضافه شده است. نیز رجوع کنید به جناس میان خویشتن و بی‌خویشتن در صفحه ۴۸۲ دیوان خواجهی کرمانی. این آرایه حدود ۳ / ۳۳ آرایه‌های پارادوکسی را به خود اختصاص داده است.

۵-۲ استعاره

استعاره از آرایه‌های ادبی و صور خیال است که در آن یکی از دو طرف تشبیه ذکر می‌شود. (همایی، ۱۳۶۸: ۲۵۰) نمونه این آرایه در متناقض‌نماهای دیوان خواجه دیده می‌شود. به عنوان مثال در بیت:

آتشِ تر دمبدم در آبِ خشک افکن که نیست

جز لب و چشم عدویت خشک و تر در خشک و تر

(همان: ۶۱)

آتشِ تر در این بیت استعاره از شراب و آب خشک استعاره از جام است و در بیت زیر نیز آب فسرده استعاره است از جام:

در باغ به روی نو عروسان چمن در آب فسرده آتش تر ریزند

(همان: ۵۳۲)

استعاره از آرایه‌های کم کاربرد است و حدود ۸ / ۸ درصد آرایه‌های مربوط به پارادوکس را به خود اختصاص داده است.

۵-۳ تشبیه

تشبیه از آرایه‌های پرکاربرد دیوان خواجه است که حتی در متناقض‌نماها نیز دیده می‌شود. در این نوع از پارادوکس مشبه به گونه‌ای انتخاب می‌شود که با واژه‌ای در شعر تناقض به وجود آورد و با حذف مشبه به تناقض از بین برود. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۸۴) خواجه با ظرافت و هنر تمام تشبیه را در متناقض‌نماها به کار برده است.

به عنوان مثال در بیت:

چون کنی عزم خوابگاه عدم آنگه از خواب خوش شوی بیدار

(همان: ۳۲)

در این بیت «خوابگاه عدم» دو نقیضی است که در کنار هم به کار رفته است و خواجه در آن با استفاده از آرایه تشبیه، عدم را به خوابگاه مانند کرده است. یا در این بیت شبِ خورشیدزا مانند صبح صادق است.

در شبِ خورشیدزا چون صبح صادق در طلوع

بر سپهر شب نما چون نجم ثاقب در مسیر

(همان: ۴۱)

نمونه دیگر آن را در بیت زیر می‌توان مشاهده نمود:

سمند گرم‌روت کوه آسمان سرعت خدنگ چارپرت شاهباز شیرشکار

(همان: ۴۹)

تشبیه از آرایه‌های پرکاربرد و مورد توجه خواجه بوده است و درصد قابل توجهی از آرایه‌های پارادوکسی که معادل ۴۸/۸ درصد است را شامل شده است. شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، ذیل عنوان «مطابقه» مثال‌هایی می‌آورد که به نوعی تصویر متناقض‌نمای مبتنی بر فن تصویری و بیانی تشبیه و فن بدیعی مطابقه (تضاد) می‌باشد. (صادقی، ۱۳۹۵: ۶)

۴-۵ کنایه

کنایه از صورخیال و عبارت است از ایراد لفظ و اراده معنی غیر حقیقی آن، آن گونه که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد. «تجلیل، ۱۳۸۵: ۸۰» در متناقض‌نماها مکتبی به که همان معنای ظاهری الفاظ است، چنان انتخاب می‌شود که با جمله‌ای در کلام یا ترکیبی از آن تناقض ایجاد می‌کند و با حذف مکتبی به تناقض از بین می‌رود. (گلی و با فکر، ۱۳۹۷: ۱۴۵)

هنر خواجهی کرمانی آن است که در نهایت هنرمندی این آرایه را در متناقض‌نماها به کار می‌گیرد، البته کنایه در متناقض‌نماها بسیار کم دیده شده است. معادل ۳ / ۳ درصد، مثلاً در بیت زیر:

تا صبح مهره باز چه برخواند و بردمید که آمد پدید آتش از آب روان چرخ
(خواجهی کرمانی، ۱۳۶۹: ۱۹)

پدیدآمدن آتش از آب روان کنایه از «هست نیست» است.

۵-۵- تلمیح

آن است که شاعر در ضمن کلام خود به آیه‌ای، حدیثی یا مثلی معروف نماید. شمس قیس رازی تلمیح را دلالت الفاظ اندک بر معانی بسیار تعریف کرده است. (رازی، ۱۳۶۰: ۳۷۷) لازم به ذکر است که این اشاره می‌تواند مذهبی، اسطوره‌ای، تاریخی و... باشد. این تلمیحات ۵ / ۵ درصد ابیات پارادوکسی را به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه بیت زیر:

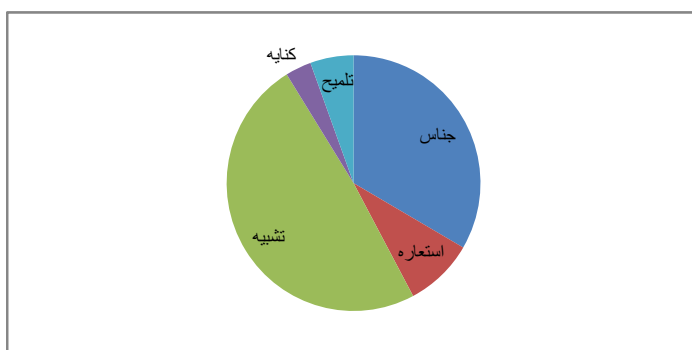
سید اولین رسل، مرسل آخرین زمان صاحب هفتمین قران، خواجه هشتمین سرا
(خواجهی کرمانی، ۱۳۶۹: ۱)

تلمیح دارد به پیامبر(ص) که در رتبت از همه پیامبران بالاتر است، ولی در نوبت آخرین فرستاده است.

رفتم به صف صفه نشینان شهر قدس دیدم جماعتی همه گویای صد زبان
(همان: ۱۱۱)

که بیت تلمیح دارد به حدیث «فمن عرف الله کل لسانه»^۱.
در این قسمت نمودار فراوانی آرایه‌های ادبی مربوط به ابیات پارادوکسی دیوان خواجهی کرمانی ترسیم می‌شود:

۱. هر که خدا را شناخت، زبانش به لکنت افتاد (شیخ کلیتی، ۱۳۶۲: ج ۸ / ۳۲۹).



نمودار (۳) فراوانی آرایه‌های ادبی مربوط به ابیات پارادوکسی دیوان خواجه

نتیجه

در این پژوهش پارادوکس در دیوان خواجه کرمانی بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد:

- خواجه کرمانی برای تقویت کلامش از معانی، تصاویر و واژگان پارادوکسی بهره برده است تا بتواند بدین وسیله اندیشه‌ها و حتی تجربیات هنری خود را به مخاطب منتقل کند.
- خواجه با استفاده از انواع پارادوکس‌ها و به کار بردن ساختار گوناگون آنها بر پویایی سروده‌هایش افزوده است. ساخت‌های مختلف پارادوکس و متناقض‌نماها در دیوان خواجه عبارتند از: ترکیب واژگان پارادوکسی، نسبت دادن واژگان متناقض به یک فرد یا موضوع، تناسب پارادوکس‌ها در جملات مرکب، ساختار سلبی پارادوکس‌ها، پارادوکس‌ها علت و معلولند، عینیت در متناقضین، مناداهای متناقض‌نما، قسم و متناقض‌نماها.
- از نظر زیبایی‌شناسی پارادوکس‌های دیوان خواجه به شکل ترکیب با صنایع مختلف بیانی و بدیعی به کار رفته‌اند که زیبایی و تأثیرگذاری ابیات را مضاعف نموده است. در این میان آرایه تشبیه بیشترین کاربرد را داشته و دیگر آرایه‌ها به ترتیب فراوانی جناس، استعاره، تلمیح و کنایه است.

منابع و مآخذ

- ۱- تجلیل، جلیل. **عروض و قافیه**. تهران: نشر سپهر کهن، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۲- خواجهی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطا. **دیوان اشعار خواجهی کرمانی**، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: نشر پازنگ، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- ۳- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس. **المعجم فی معاییر اشعار المعجم**، به تصحیح علامه قزوینی و تصحیح مجتهد مدرس رضوی و سیروس شمیسا. تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، علمی، ۱۳۶۰.
- ۴- راستگو، سید محمد. **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۵- شایگان، داریوش. **هانری کربن آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی**، ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر و پژوهش فرزانه، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۶- شفیع کدکنی، محمدرضا. **شاعر آینه‌ها**. تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- ۷- شیخ کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. **الکافی**، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری و محمد آخوندی، الطبعة الرابعة. تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- ۸- صادقی، حسین. «تصاویر متناقض‌نما در اشعار متنی». مجله زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۷، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۵، صص ۸۸-۱۵۹.
- ۹- فشارکی، محمد. **نقد بدیع**. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
- ۱۰- کاشفی سبزواری، میرزا حسن واعظ. **بدایع الافکار فی صنایع الاشعار**، ویراسته و گزارده میرجلال‌الدین کزازی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹.
- ۱۱- گلی، احمد و بافکر، سردار. «پارادوکس محتوایی در شعر فارسی». بوستان ادب، سال دهم، شماره ۲، ۱۳۹۷، صص ۵۲-۱۲۹.
- ۱۲- میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت. **واژه‌نامه هنر شاعری**. تهران: کتاب مهناز، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۱۳- وحیدیان کامیار، تقی. «متناقض‌نما (Paradox) در ادبیات». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و هشتم، شماره ۴ و ۳، ۱۳۷۶، صص ۹۴-۲۷۱.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین. **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. تهران: نشر هما، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

15. Authors, oxford Elementary Learners Dictionary, Editor Shirley Burrigge, 1993.

A look at the paradoxes of Khajoo Kermani's Divan

Pouran Alizadeh¹

Abstract

Paradox is one of the literary tricks that is present in oral speech, philosophy, logic and even areas of human life, and it is a poetic combination of two words that have a contradictory meaning and seem intellectually impossible. In literature, this trick is one of the beautiful verbal arrangements that its beauty factor is in the astonishment that it creates in the mind of the audience. Khajoo Kermani is one of the powerful poets of the eighth century AH who has used this paradox very artistically in conveying concepts and themes; Therefore, the present study is dedicated to examining the paradox in Khajoo Divan. The method of this research is descriptive-analytical. The results show that Khajoo Kermani in his poetry collection looked at these paradoxes as one of the literary and poetic tricks and considered them from different angles and used various techniques in expressing these contrasting elements. And has provided the means to highlight his word.

Keywords: Paradox, Contradiction, Poetry Divan, Khajoo Kermani

1. Instructor of Persian Language and Literature, Rudsar and Amlash Branch, Islamic Azad University, Rudsar, Iran
Email: pouranalizadeh1@yahoo.com